

مردی با چهره‌های مختلف

روح‌الله مهدی‌پور عمرانی

مطلب از یک سو و به طاق نسیان سپرده شدن آثار در انتظار از سوی دیگر، رفته رفته به نوعی بی‌اعتمادی در میان جامعه کتابخوان و اهل تحقیق تبدیل شده است.

مهم نیست؛ زیرا چه بسا دانه و بذر که در دل خاک قرار می‌گیرد، ولی فرصت جوانه زدن و سبز شدن پیدا نمی‌کند و این حالت برای بسیاری از نویسندگان و شاعران به وجود خواهد آمد.

نادر ابراهیمی به کرات و با نوعی بزرگ‌نمایی، به انبوهی از کتاب‌ها و کتابچه‌ها (جزوه‌ها) اشاره می‌کند که هرگز (حداقل تاکنون) به زیور چاپ و طبع آراسته نشده‌اند. نظر به اهمیت و تلقی‌ای که این بیان و بزرگ‌نمایی دارد، به نمونه‌هایی از این شماره‌های مستقیم ابراهیمی می‌پردازیم:

الف) در مقدمه کتاب پدر چرا در خانه مانده است؟ می‌خوانیم:

«ماجرای انقلاب را - که کل اسامی آن‌ها حدود بیست تا می‌شود و در تمام‌شان، بچه‌ها نقش اسلامی [اساسی] داشته‌اند، در اوج انقلاب مقدس - بچه‌های نقاط مختلف ایران برای من فرستاده‌اند و به من سپرده‌اند...»^(۱)

از این سری که عنوان فرعی «قصه‌های



از نقل و قول‌ها و نوشته‌های نادر ابراهیمی در این جا و آن جا و حتی در مقدمه و متن بعضی از کتاب‌های چاپ شده‌اش، چنین برمی‌آید که - گویا - به تعداد کتاب‌های چاپ شده‌اش - شاید بیش‌تر از آن - کتاب‌های ناتمام و چاپ نشده دارد. این موضوع، هم مهم است و هم مهم نیست.

مهم است؛ زیرا بر پرکاری و تولید و خلق مدام آثار ادبی توسط یک نویسنده، دلالت می‌کند. مهم است؛ زیرا بارها و بارها از زبان و قلم خود نویسنده، گفته و نوشته می‌شود. زیاده‌روی در بیان این



انقلاب برای بچه‌ها و نوجوان‌ها» را دارد، جز یکی - دو مجلد، بقیه هنوز چاپ نشده است.

ب) در کتاب «ساختار و مبانی ادبیات داستانی»، آمده است:

نمونه اول:

«ما در کتاب کوچک دیگری زیر نام «آیا چیزی به نام استعداد وجود دارد؟» که سال‌هاست به برگه نویسی و تنظیم آن مشغولیم و به چاپ نرساندن آن تا به حال، به دلیل ضرورت «گردآوری دلایل و شواهد عینی، تجربی و

● از نقل و قول‌ها و نوشته‌های نادر ابراهیمی در این جا و آن جا و حتی در مقدمه و متن بعضی از کتاب‌های چاپ شده‌اش، چنین برمی آید که - گویا - به تعداد کتاب‌های چاپ شده‌اش - شاید بیشتر از آن - کتاب‌های ناتمام و چاپ نشده دارد

ج) در کتاب «فارسی نویسی برای کودکان»، نوشته شده است:

نمونه اول:

«از آن جا که سال‌ها پیش توسط تلویزیون، فرصتی به ما داده شد تا مسئله «طرح مقدماتی وحدت رسم خط در زبان فارسی» را در دو کلاس، با دانشجویانی که حداقل تحصیلاتشان، کارشناسی در رشته‌های مختلف بود، در میان بگذاریم و طرح را جهت وصول به نتایج روشن تر، مورد آزمایش‌های گوناگون قرار بدهیم و سپس در برخی مدرسه‌های تهران نیز جست و جو و تحقیقاتمان را پی گرفتیم و به توسعه تجربه‌های خود پرداختیم و چاپ و انتشار این کتابچه را مدت‌ها به عقب انداختیم تا محصول تجربه‌ها و آزمایش‌های تازه و تازه‌تر خود را بر سر متن بیفزاییم، بدیهی است که این کتاب ما هم، طبق معمول [!] چیزی جز «طرح مقدماتی» نخواهد بود. امیدواریم این کتابچه به زودی زود منتشر شود تا با همکاری‌ها و راهنمایی‌های خوانندگان سراسر ایران، بیش از پیش موفق به توسعه و تکمیل این طرح شویم و قدمی کوچک در راه مبارزه با این آشفتگی غریب در رسم خط فارسی برداریم.»^(۴)

و در جای دیگری از همین کتاب، می‌خوانیم:

نمونه دوم:

«بحث مفصل و دقیق همه نشانه‌ها، همراه با نمونه‌های متعدد، در کتاب «نشانه‌گذاری خط فارسی» آمده است.»^(۵) این کتاب و کتاب قبلی نیز - ظاهراً - نوشته نشده است.

د) در کتاب «مصورسازی کتاب کودکان»، می‌خوانیم:

نمونه اول:

«ما در مجموعه کوچک دیگری تحت عنوان کلی «بازاندیشی در باب مسائل زیبایی و هنر» که تنظیم و در مواردی هم تدریس کرده‌ایم، تا آن جا که در توان پژوهشی‌مان بوده، به تفصیل و همراه با توضیحات و تبصره‌های فراوان، به دو مسئله اساسی «هنر» و «زیبایی» پرداخته‌ایم. امیدواریم که زمانی امکان چاپ آن مجموعه

آزمایشگاهی کاملاً روشن و قانع کننده برای همگان» بوده است، به تفصیل و جزء به جزء در این باره گفت و گو کرده‌ایم. در این جا ناگزیر تنها به ارائه نتایج آن تحقیق، قناعت می‌کنیم. امیدواریم که عمر، وفا کند و انتشار و تأثیر مثبت آن کتابچه را - به امید حق - ببینیم.»^(۲)

و یا در همین کتاب - در جای دیگر - باز هم

می‌نویسد:

نمونه دوم:

نتیجه هر داستان، «هدف» نویسنده آن داستان نیست. این مسئله را در جزوه دیگری زیر نام «نتیجه و هدف در ادبیات داستانی» آورده‌ایم.»^(۳)

کوچک نیز به همت بزرگان نشر، فراهم آید.»^(۶)

نمونه دوم:

«علی‌رغم نبود امکانات، سخت مشغولیم به مسئله «زیبایی از دیدگاه کودکان» که اگر به جایی برسد و درست برسد، به گمان ما کاری است عظیم و شایسته اعتنا. اگر قدری راه بیابیم که تحقیقاتمان را دنبال کنیم، امید این هست که مقدمه‌ای هم در این زمینه پیشنهاد کنیم؛ هر چند بسیار ابتدایی و الفبایی. آن چه در این فصل آورده‌ایم، عمدتاً یادداشت‌های سردستی همان کتابک «زیبایی از دیدگاه کودکان» است.»^(۷)

کاش همه این کتاب‌های وعده داده شده، چاپ می‌شد و بخشی از خلأهای موجود در حوزه ادبیات کودکان را پُر می‌کرد. البته لحن نادر ابراهیمی در بعضی از این وعده‌ها، به گونه‌ای است که خواننده و شنونده از چاپ شدن آن کتاب‌ها دل می‌بزد و قطع امید می‌کند.

این رفتار از زاویه‌ای دیگر، مثبت ارزیابی می‌شود و آن گشودن راه برای پژوهشگران و نویسندگان نوکار و تازه قلم است تا سوژه برای نوشتن را در حال اتمام نبینند؛ بلکه به این باور برسند که همیشه موضوع برای نوشتن هست.

از این‌ها که بگذریم، به پراکنده کاری و چندگانه نویسی نادر ابراهیمی می‌رسیم. نادر ابراهیمی در حوزه کودک و نوجوان هم پراکنده کاری و چندگانه نویسی کرده است. پرداختن به همه جنبه‌های گوناگون نویسندگی و نظریه پردازی ابراهیمی، در این نوشتار کوتاه میسر نیست. بنابراین، به گوشه‌هایی از آثار گوناگون و چندگانه‌اش در حوزه کودک و نوجوان می‌پردازیم.

نادر ابراهیمی قصه‌نویس

از سی و چند کتاب داستانی که نادر ابراهیمی، برای کودکان و نوجوانان نوشته و چاپ کرده،

دسته‌ای برای کودکان و دسته‌ای برای نوجوان هاست.

البته لحن و رویکرد او در بیش تر داستان‌ها، فراتر از لحن و زبان رایج در بین کودکان به نظر می‌رسد. حتی می‌توان گفت که او در بسیاری از داستان‌های نوجوانانه‌اش، زبانی بزرگسالانه دارد. به عبارت دیگر، مخاطبان او در داستان‌هایی که برای نوجوانان نوشته، خوانندگان همه حوزه‌های سنی‌اند. نادر ابراهیمی داستان «پدر چرا توی خانه مانده است؟» را خیلی خوب نوشت. قید مؤکد «خیلی خوب»، یک توصیف کلی نیست، بلکه



تحسین نثر و ساختاری است که علی‌رغم سادگی زبان و سراسری پیرنگ و باورپذیری ماجرا، به اندازه کافی، ساختمان می‌نماید. ماجرا از این قرار است که در یکی محله‌های فقیرنشین و در یک کوچه تنگ و تاریک، ساواکی‌ها و مأمورین سازمان امنیت، پدرهای خانواده‌ها را به جرم اعتصاب و بردن و فقط پدر علی چند روز بود که در کشیدند و بردند و همکلاسی‌ها و بچه‌های همسایه و همکوجه‌ای علی، به او متلک می‌گفتند و کم کم این شایعه در محله پیچید که - گویا - پدر علی با



مأمورین دولت همکاری کرده که او را دستگیر نکردند و نبردند. در بهترین و خوش‌بینانه‌ترین حالت، از پدر علی به عنوان پدری ترسو، نام برده می‌شد. حتی یک بار بچه‌های محل با زغال یا گچ، روی درِ خانه علی نوشتند: «مرگ بر خائن!». علی از این ماجرا، خجالت و رنج می‌کشید. دلش می‌خواست که پدر او هم از خانه بیرون بیاید، حرکتی بکند تا مأمورها بیایند و او را دستگیر کنند. در این صورت، چند مشکل علی حل می‌شد: هم پدرش از اتهام ترسو بودن و خائن بودن نجات پیدا می‌کرد و هم علی می‌توانست سرش را بالا بگیرد و توی چشم بچه‌ها نگاه کند و خجالت نکشد.

نویسنده، روی موضوع روان‌شناسی نوجوانی، تکیه و تأکید به جایی می‌کند و در این فضایی که می‌آفریند، گره‌ها و کشمکش‌های داستانی‌اش را شکل می‌دهد و کامل می‌کند تا جایی که به بحران و نقطه اوج می‌رساند. روزی از روزها، مأمورها آمدند و درِ خانه علی را زدند. علی رفت و در را باز کرد و وقتی فهمید برای بازداشت پدرش آمده‌اند، بی‌مقدمه و از سر خوشحالی گفت که اگر برای بُردن پدرش آمده‌اند، پدرش در خانه است و دوید توی حیاط و فریاد زد: پدر! بیا که آمده‌اند تو را ببرند. مأمورها زدند توی دهن علی و دندان‌ش را شکستند. علی با آن که درد می‌کشید و شوری خون را در دهانش مزه مزه می‌کرد، خوشحال بود که او دیگر می‌تواند توی کوچه و مدرسه پُر بدهد و مثل بقیه، با آب و تاب داستان بردن پدرش را توسط مأموران، برای بچه‌ها تعریف کند.

نادر ابراهیمی فضای سال‌های نزدیک انقلاب را ساده‌سازی و با روایتی روان و شیرین و جذاب، حکایت می‌کند. تمام عناصر داستانی و ابزارهای روایت، دست به دست هم داده‌اند و از

یک خاطره، داستانی واقع‌گرا و باورکردنی ساخته‌اند.

داستان‌نویس که دلش نمی‌آید این داستان را تمام کند و دوست دارد بقیه ماجرا در ذهن مستعد مخاطب ادامه پیدا کند، در کادر پایانی داستان، این گزاره را می‌نویسد:

«و این، فصل اول یک داستان خیلی بزرگ بود...»^(۸)

نادر ابراهیمی در داستان دیگری از همین قصه‌های انقلاب، داستان نوجوانی به نام منصور را می‌نویسد که در برخورد با جریان زندگی و حوادث جامعه متحول می‌شود. منصور که در دوران مدرسه ابتدایی، توسط مسئولان مدرسه در برنامه‌های پیشاهنگی و رژه‌های فرمایشی شرکت می‌کرد، وقتی زندگی فقیرانه خود و همسایه‌هایش را می‌دید و حرف‌های پدرش را می‌شنید که شاه و خانواده سلطنتی را عامل فقر مردم می‌دانستند، خشمش از آن‌ها بیش‌تر می‌شد. هر چه منصور بزرگ‌تر می‌شود و به کلاس بالاتر می‌رود، مخالفت مردم با رژیم شاه بیش‌تر می‌شود و شناخت اجتماعی منصور هم رشد می‌کند و از او نوجوانی عدالت‌خواه و دگرگونی‌طلب و انقلابی می‌سازد؛ به گونه‌ای که با اوج‌گیری مبارزات مردم برپایی راهپیمایی‌ها، منصور نیز همراه پدر و همکلاسی‌هایش به صفوف تظاهر کنندگان می‌پیوندد و سرانجام در این راه جان می‌بازد.

نویسنده در این داستان، یک پله از داستان قبلی بالاتر می‌رود و از تکنیک‌های نوشتن و شگردها و تمهیدات روایت استفاده می‌کند. نویسنده به این باور می‌رسد که خوانندگان و مخاطبان داستانش، دیگر به این توانایی ذهنی رسیده‌اند که توالی وقوع حادثه را به هم بزنند و دو یا چند واقعه را همبسته با هم، ولی در چند موقعیت

داستان مدرن، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نمادین و رویکردهای کنایی و استعاری و با طراحی رویدادهای بدیع و خواندنی، موقعیت انسان را در جوامع جدید و صنعتی به صورتی طنزآلود به تصویر می‌کشد. داستان آدم آهنی، در حقیقت نقد دنیای برآمده از جنگ جهانی است که با زبان هنر و داستان ارائه می‌شود.

در مورد ساخت و بافت داستان «آدم آهنی»، قوت و ضعف پرداخت، شگردهای گسترش روایت، شیوه‌های آدم‌پردازی و توانایی در به کارگیری ابزار

زمانی و مکانی دنبال کنند. بنابراین، با پس و پیش کردن ماجراها، ضمن ایجاد جذابیت، سازمان خطی پیرنگ داستان را در هم می‌ریزد و گره می‌آفریند تا ذهن خواننده داستان و مخاطب را به فعالیت و مشارکت وادارد. او این کار را به وسیله «فصل بندی» انجام می‌دهد.

شگرد و صنعت دیگری که نادر ابراهیمی برای فضا سازی و تصویرآفرینی استفاده کرده، «لحظه پردازی» است:

«منصور جلو رفت. جلوتر، تنش داغ شده بود. عرق کرده بود. حرارت از تمام وجودش بیرون می‌زد. چند قدم پیش رفت و فریاد زد.»^(۹)

نویسنده در داستان قبلی نیز به شکل روشن تری از این شیوه استفاده کرده است:

«مردها بالا را نگاه می‌کردند. علی خندید. از ته دل خندید. علی دوید به طرف در. در بالا را باز کرد. از پله‌ها پایین دوید. در را باز کرد. ایستاد جلوی مردها.»^(۱۰)

و این هم نمونه‌ای دیگر:

«پدر علی را می‌زدند. می‌کشیدند. می‌بردند.»^(۱۱)

اگر بیرونه این داستان‌ها، با استفاده از ابزارهای نمایشی، حقیقت‌نما و واقع‌گراست، درونه این داستان‌ها، آرمان‌گرا و جانبدارانه است. هر چند نویسنده می‌کوشد جانبداری و آرمان‌خواهی‌اش را در کنش‌های آدم‌های داستان پنهان سازد، لحن نویسنده و نشانه‌های آشکار رفتار آدم‌های داستان (تو بخوان رفتار نویسنده)، متنی «مستقیم‌گو» پدید آورده است.

نادر ابراهیمی مترجم

در میان ترجمه‌های اندک نادر ابراهیمی، «آدم آهنی»، جای ویژه‌ای دارد. این کتاب به سبب داستان جذاب و بافت نمادین، جای خالی ترجمه‌های دیگرش را پر می‌کند. تدهیوز در این

● لحن و رویکرد او در بیش‌تر داستان‌ها، فراتر از لحن و زبان رایج در بین کودکان به نظر می‌رسد. حتی می‌توان گفت که او در بسیاری از داستان‌های نوجوانانه‌اش، زبانی بزرگسالانه دارد

و عناصر داستانی، هر چه گفته شود، به نویسنده اصلی آن یعنی به تدهیوز برمی‌گردد. نادر ابراهیمی به عنوان برگرداننده این متن پر فراز و نشیب داستانی مطرح خواهد بود. او مانند بسیاری از مترجمان، در کنار نمایش توان زبان‌دانی و فرآیند ترجمه، کار مهم دیگری نیز انجام داده که معمولاً از دید منتقدان، مخفی می‌ماند. این کار مهم، معرفی یک نویسنده خوش‌فکر و داستان‌پرداز فانتزی‌نویس است.

تدهیوز در این داستان، ترکیبی از ساختار «قصه» و بافتار داستان نو را فراهم آورده تا با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فانتزی و استعاره،





مسائل و دغدغه‌های انسان نو را در چرخه زندگی نو، به نمایش بگذارد.

داستان آدم آهنی در بافت و ذات روایت، قصه است. حوادث و روابط میان شخصیت‌های انسانی و حیوانی در این داستان، ریشه در ذهن قصه‌ساز و افسانه باور نویسنده دارد. این جنبه با ذهنیت مخاطبان کودک و نوجوان سازگاری مناسبی دارد. از سوی دیگر، مخاطبان این داستان، کودکان و نوجوانانی هستند که در دنیای جدید زندگی می‌کنند. آن‌ها نیازهای جدیدی دارند که باید در

گونه‌ای است که بزرگسالان را نیز بی‌نصیب نمی‌گذارد، ولی نادر ابراهیمی در ترجمه دیگرش (از پنجره نگاه کن)، به کودکان بیش‌تر نظر دارد. او در ترجمه دیگرش (دوست کسی است که آدم را دوست دارد)، با نوجوانان، ارتباط بیش‌تری برقرار می‌کند. به عبارتی دیگر، نادر ابراهیمی با ترجمه این آثار، هم نویسندگان جدیدی را برای نخستین بار به جامعه فرهنگی و اهل کتاب و کتابخوان معرفی می‌کند و هم جهان‌بینی ادبی‌اش را به نمایش می‌گذارد.

نادر ابراهیمی تصویرگر

رفتار و حضور نادر ابراهیمی در زمینه تصویرگری کتاب کودک و نوجوان هم مانند فعالیت‌های دیگرش، دوگانه است.

در این جا - انگار - با دو نادر ابراهیمی رو به رو هستیم. یکی نادر ابراهیمی تصویرگر که قلم‌مو به دست می‌گیرد و با خط و رنگ، متن‌های تصویری کتاب‌های دلخواهش را شکل می‌دهد. او - دست‌کم - برای ۵ کتاب (۲ کتاب از نویسندگان خارجی که به فارسی برگردانده و ۳ کتاب که توسط نویسندگان ایرانی نوشته شده) نقاشی کرده است.

نادر ابراهیمی در تصویرگری‌هایش، نشان داده است که خط و طرح و رنگ و فضا‌سازی (کمپوزیسیون) را می‌شناسد و چیره‌دستی‌اش در ساخت تصویرها، از کارهای بسیاری از تصویرگران کتاب در آن سال‌ها چیزی کم و کسر ندارد. او که خود داستان‌نویس کودکان و نوجوانان است، به خوبی می‌داند که از چه سبک طراحی و از چه مهندسی رنگ‌بندی در تصویرها استفاده کند تا متن‌های نوشته‌ش را با رنگ و قلم‌مو کامل سازد. ابراهیمی در تصویرسازی متن کتاب «پیرزنی

● نویسنده، روی موضوع روان‌شناسی نوجوانی، تکیه و تأکید به جایی می‌کند و در این فضایی که می‌آفریند، گره‌ها و کشمکش‌های داستانی‌اش را شکل می‌دهد و کامل می‌کند تا جایی که به بحران و نقطه اوج می‌رساند

«زمان» و با استفاده از پدیده‌های جدید، پاسخ داده شود. نویسنده برای پاسخ دادن به این لایه از نیازهای واقعی ولی اعلام نشده، دست به دامن شگفت‌آفرینی می‌شود و شخصیت «آدم آهنی» را که ما به ازای بیرونی آن، رُبات‌ها هستند، به متن داستانی‌اش وارد می‌سازد و به این وسیله، حقیقت‌مانندی و باورپذیری داستانش را تضمین می‌کند. این داستان، علی‌رغم پیشرفت‌هایی که در زمینه فن‌آوری صورت گرفته، هنوز داستانی نو و خواندنی به شمار می‌آید.

جنبه‌های مخاطبی داستان آدم آهنی، به

روح کنجکاو نادر ابراهیمی، برای تجربه‌های جدید در عرصه‌های جدید، ولی دست‌یافتنی از یک‌سو و لزوم جلب‌توجه کودکان و نوجوانان علاقه‌مند به کار نقاشی و تصویرسازی کتاب و حتی تلنگر زدن به نیازهای بصری خوانندگان کودک و نوجوان، سبب شد تا وی در حوزه تصویرگری نیز وارد شود و معادلات معمول و روش‌های رایج را بر هم بزند. او در این کار هم دیری نپایید و به عرصه‌ها و حوزه‌های دیگری گروید.

و دیگری نادر ابراهیمی نظریه‌پرداز در عرصه



تصویرسازی و مصور ساختن کتاب کودکان: حاصل تلاش‌ها و جست‌وجوهای نادر ابراهیمی در زمینه تصویرسازی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، در کتابی به نام «مقدمه‌ای بر مصورسازی کتاب کودکان» جمع و ارائه شده است. تا پیش از این کتاب، منبع دیگری در این موضوع، توسط صاحب‌نظران فارسی زبان نوشته نشده بود. نادر ابراهیمی در این کتاب، پس از یک مقدمه مفصل، به تعریف تصویرگری می‌پردازد و تاریخچه آن را به صورت خلاصه بیان می‌کند.

که دلش می‌خواست تمیزترین خانه دنیا را داشته باشد»، معماری بومی و اقلیمی شهرها و روستاهای ایران را رعایت کرده است؛ شیروانسی‌های شیب‌دار، پنجره‌ها و نورگیرها، نیایشگاه‌ها و صد البته درخت‌ها.

تصویرساز در این کتاب، از تکنیک کولاژ استفاده کرده است. به این صورت که از تکه‌های رنگی روزنامه‌ها و مجلات برای فضای رنگی تصویرهایش، بهره برده است. تکه چسبانی (کولاژ)، شیوه‌ای است ساده و ارزان که همه جا در دسترس است.

در کتاب دیگر که «راه دور» نام دارد، نادر ابراهیمی به عنوان تصویرساز، از تکنیک عکاسی از طبیعت + نقاشی استفاده کرده؛ زیرا موضوع قصه، طبیعت و تخیل بوده و تصویرگر سعی کرده به این وسیله، نزدیکی‌ها و ریشه‌های تخیل را در طبیعت نشان دهد.

هم‌چنین در کتاب «هدیه سوم»، نادر ابراهیمی تصویرساز، بیشترین استفاده را از روان‌نویس مشکی برده و تنها آن بخش از موضوع را که رؤیایی، خیال‌پردازانه، خیال‌انگیز و رنگین بود، با مداد رنگی کار کرده است.

و خلاصه این که در کتاب «ما بوته گل سرخ را از خواب بیدار می‌کنیم»، ماده اصلی تصویرسازی، خمیرهای رنگی است. به این شکل که تصویرهای کتاب بیرون از صفحه کاغذ، به وسیله خمیرهای رنگی، پیکره‌سازی شد و با کمک تکه حصیرهای بی‌مصرف و مقواهای جعبه کفش و شیرینی، فضای تصویر شکل گرفت و سپس از این فضاها عکس‌برداری شد و این عکس‌ها در لیتوگرافی، به عنوان تصویرهای کتاب مورد استفاده قرار گرفت.



سپس اهداف مصورسازی را از نگاه کودکان و نوجوانان برمی‌شمارد و در این کار، ریزپردازی خوبی از خود نشان می‌دهد. بعد از آن، مشخصات یک تصویر خوب را نام می‌برد و آن را براساس سن مخاطبان، دسته‌بندی می‌کند. آن‌گاه درباره آن چه یک تصویرگر خوب باید رعایت کند، سخن می‌گوید. سپس نمونه‌هایی از نقاشی‌های صفحه‌ها و روی جلد بعضی از کتاب‌های حوزه کودک و نوجوان را به صورت رنگی می‌آورد و در فصل‌های پایانی کتاب (که در حقیقت جلد دوم

● ابراهیمی در تصویرسازی متن کتاب «پیرزنی که دلش می‌خواست تمیزترین خانه دنیا را داشته باشد»، معماری بومی و اقلیمی شهرها و روستاهای ایران را رعایت کرده است؛ شیروانی‌های شیب‌دار، پنجره‌ها و نورگیرها، نیایشگاه‌ها و صد البته درخت‌ها

کتاب به شمار می‌رود)، ابزارها و تکنیک‌های تصویرسازی را مفصل توضیح می‌دهد. نکته جالب در این کتاب، این است که هر جا که لازم باشد، گریزی به یکی از تجربه‌های تصویرسازی خودش می‌زند. نادر ابراهیمی برداشت‌ها و دریافت‌های خود را در زمینه طراحی و نقاشی کتاب‌های کودکان و نوجوانان، تئوریزه می‌کند و در قالب یک گفت‌وگو هنری و ادبی ارائه می‌دهد.

نادر ابراهیمی نظریه پرداز

نظریه‌پردازی و طرح‌گفتمان ادبیات کودک و نوجوان، هر چند از سال‌ها پیش شروع شده بود، ولی تمام عرصه‌های ادبیات کودک و نوجوان را فرا گرفت و در حوزه‌های مخصوصی ماند. به عنوان مثال، صمد بهرنگی با نوشتن مقالات متعدد و کتاب «کند و کاو در مسائل تربیتی کودکان»، دیدگاه خود را در مورد دنیای کودکان و نوجوانان، مواد خواندنی آن‌ها، چگونگی تغذیه فکری و ذهنی این سنین و رابطه پدیدآورندگان آثار هنری و ادبی با مخاطبان و نقش دستگاه‌های اجرایی آموزش‌های عمومی با مقوله کودک و نوجوان، بیان و تبیین کرده بود.

محمود کیانوش نیز در زمینه شعر کودک به آموزه‌هایی دست یافته و آن‌ها را به عنوان یک گفت‌وگو در سطح جامعه ادبی و هنری مطرح ساخته، تا چالش‌ها و انگاره‌های مختلف، تعاطی و تضارب آرا، به راهکارهای عملی و شفاف بینجامد. گفت‌وگو ارائه شده توسط نادر ابراهیمی، گستردگی و جامعیت ویژه‌ای دارد. او از یک سو برای رسم‌الخط و فارسی نویسی، نظریاتی پرورده و ارائه کرده و از سوی دیگر در زمینه‌های ویرایش، ضرباهنگ و موسیقی در ادبیات کودکان، حضور حکومت در قلمرو ادبیات کودکان، نقد و بررسی در ادبیات کودکان، نظریه‌پردازی کرده است:

«بنابراین، نویسندگان ویژه کودکان و نوجوانان، هدفشان این است که در وهله اول، کودکان و نوجوانان، نوشته‌های آن‌ها را بخوانند یا بشنوند و بفهمند و حس کنند و در مرحله نهایی، هدفشان این است که به یاری این نوشته‌ها و مفاهیمی که در نهاد این نوشته‌ها وجود دارد، به شادی، سلامت جسم و روح، بهزیستی، رشد ایمان و اعتماد، رشد تمایل به مبارزه با طبقات و اقشار فاسد و در جمع و آسایش و خوشبختی کودکان و نوجوانان کمک کنند.

ببرند، یاد بگیرند و به کار ببرند که دستکم بدانیم چه تعداد واژه مشترک و متشابه بین همه این بچه‌ها وجود دارد. یعنی نقطه مشترک «واژه فهمی» آن‌ها کجاست...» (۱۵)

نادر ابراهیمی آموزگار داستان‌نویسی

بسیاری از آموزه‌های نادر ابراهیمی در مورد نوشتن و نوشتن داستان، پیش از آن که در کتاب «قصه چیست، داستان چیست» (۱۶) آورده شود، در کتاب پربار و خواندنی «مراحل خلق و تولید ادبیات کودکان» ارائه شده است.

● در میان ترجمه‌های اندک نادر ابراهیمی، «آدم آهنی»، جای ویژه‌ای دارد. این کتاب به سبب داستان جذاب و بافت نمادین، جای خالی ترجمه‌های دیگرش را پر می‌کند



ابراهیمی در این کتاب، پس از یک پیش‌گفتار کامل و جستارگشایی بحث، موضوعاتی از قبیل مراحل عام و خاص نوشتن ادبیات کودکان، مراحل عام در هنر و ادبیات و در پایان نیز مراحل ویژه ادبیات کودک را پیش کشیده و همراه با بررسی و گشایش زوایای آن‌ها، به نقد روش‌های جاری و موجود نیز پرداخته است.

او در این کتاب، ضمن نشان دادن فرآیند ساخت و تولید کتاب به طور عام و خاص (در زمینه کتاب‌های کودکان و نوجوانان)، یعنی از زمانی که فکر و ایده نوشتن کتاب در ذهن بارور نویسنده نطفه می‌بندد تا زمان چاپ و انتشار، روی بعضی از فرآیندهای آفرینشی مانند پیدا کردن سوژه، ورز

یا همه این‌ها را به وجود بیاورند و یا در به وجود آوردن این‌ها سهمی داشته باشند و یا کودکان را آن‌گونه بار آورند که در آینده، در خدمت اندیشه‌های انسانی و آرمان‌های والای بشری باشند...» (۱۲)

نادر ابراهیمی در مورد زبان و زبان‌سازی برای کودکان و نوجوانان، بر این باور است که هر چند کار داستان‌نویس و یا شاعر، زبان‌سازی و زبان‌آفرینی از راه ساخت واژه‌ها و ترکیب‌های جدید است، این ساخت باید در سلامت زبان انجام گیرد. شکسته‌نویسی واژه و فعل‌ها و ثبت ساخت‌های محاوره‌ای، نوشتن و خواندن را برای نوآموزان کودک و حتی نوجوانان، دشوار می‌سازد. مسئله بعدی بدآموزی در مورد شکل نوشتاری واژه‌هاست. ابراهیمی طرفدار پر و پا قرص سالم‌نویسی است؛ زیرا محاوره‌ای نویسی سبب می‌شود تا شمار فراوانی از کودکان و نوجوانان، از خواندن و درک و دریافت متن‌های شکسته و محاوره‌ای محروم بمانند. به یک نمونه که برای اثبات این مدعا آورده شده، توجه می‌کنیم:

نمونه یک - نمونه شکسته و محاوره‌ای:

«مش مم تقی بش گفت هیش وخ دیگه حق نداره باشو تو اون خونه بذاره، واسه این که یه دلخوری حسابی برا اصغری درس کرده.» (۱۳)

نمونه دو - نمونه سالم‌نویسی متن فارسی:

«مشهدی محمدتقی به او گفت که دیگر هیچ وقت حق ندارد پیش را توی آن خانه بگذارد؛ زیرا که اصغری را درست و حسابی دلخور کرده است.» (۱۴)

نادر ابراهیمی در تکمیل آموزه‌های خود در این زمینه، به مقوله «واژه فهمی» می‌رسد و می‌نویسد: «ما زمانی می‌توانیم کتابی وحدت‌گرایانه برای بچه‌های شش تا نه ساله وطن بنویسیم و همه آن‌ها بتوانند بخوانند، واقعاً و بدون فشار بخوانند و همه آن‌ها بتوانند بفهمند، لذت



دادن آن در ذهن، اجرای سوژهٔ پرورده شده روی کاغذ، چگونگی گسترش حوادث و کشمکش‌ها در طول متن را نیز مورد بحث قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد که نادر ابراهیمی، قصد داشت مشروح و مبسوط مقولهٔ داستان‌نویسی برای کودکان و نوجوانان را در کتاب وعده داده شدهٔ «قصه چیست، داستان چیست» بیاورد و از آن این موضوع را - چنان که عادت دارد - در چندین مجلد موعود پی بگیرد. اساساً شیوه‌ها و شگردهای منطقی برای

● نادر ابراهیمی در مورد زبان و زبان‌سازی برای کودکان و نوجوانان، بر این باور است که هر چند کار داستان‌نویس و یا شاعر، زبان‌سازی و زبان‌آفرینی از راه ساخت واژه‌ها و ترکیب‌های جدید است، این ساخت باید در سلامت زبان انجام گیرد.

شکسته‌نویسی واژه و فعل‌ها و ثبت ساخت‌های محاوره‌ای، نوشتن و خواندن را برای نوآموزان کودک و حتی نوجوانان، دشوار می‌سازد

سوژه‌یابی و جرقه‌های نخستین و تبدیل شدن آن به یک اثر (کتاب)، در نوشته‌های نادر ابراهیمی به روشنی دیده می‌شود. به عبارتی دیگر، نادر ابراهیمی در حین نوشتن، به موضوعاتی اشاره می‌کند که بعداً سوژه‌و مایهٔ کتاب دیگرش می‌شود.

نادر ابراهیمی علمی‌نویس

گوناگونی و پراکندگی کارهای نادر ابراهیمی، به ترجمه و پژوهش و نظریه‌پردازی در ادبیات حوزهٔ کودک و نوجوان و حتی به تصویرگری و تصویرسازی برای کتاب‌های کودک و نوجوان ختم نمی‌شود. او برای مخاطبان کودک و نوجوان، متن‌های خواندنی غیرداستانی هم تولید کرده است. این خواندنی‌ها، گاهی نوعی سفرنامه‌های تصویری است که بچه‌ها را با جغرافیا و دیدنی‌های ایران آشنا می‌کند: مانند سفرهای دور و دراز هامی و کامی و گاهی مجموعه کتاب‌های کوچک شناخت معادن و فلزات به زبان ساده است که به سفارش و با همکاری شرکت ملی فولاد ایران از یک طرف و مؤسسهٔ همگام با کودکان و نوجوانان از طرف دیگر، نوشته و منتشر شده است. نادر ابراهیمی در این کتابچه‌ها که قالب و جنبه‌های داستانی هم دارند، می‌کوشد کودکان و نوجوانان ایران را با معادن گوناگون آشنا سازد و فرآیند استحصال فلزات را با لحنی علمی و با زبانی ساده، بیان کند.

به عنوان مثال، در کتابچهٔ «هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم»، با بهره‌گیری از یک مصراع شعر کثیرالاستعمال، داستان‌واره‌ای دربارهٔ مایعات معدنی می‌سازد، کان‌ها و مسیرهای جریان‌یابی و موارد استفادهٔ آب‌های گرم و سرد معدنی را با روندی داستان‌گونه توضیح می‌دهد. نکتهٔ جالب که در نگاه اول در مورد این سری کتاب‌ها توجه را به خود جلب می‌کند، عنوان‌بندی و نام‌گذاری این کتاب‌هاست. به عنوان نمونه، عنوان‌هایی از قبیل:

۱- مثل پولاد باش پسر، مثل پولاد

۲- کمیاب و قیمتی اما همان قدر هم خوب و لازم

۳- مدرسه بزرگ‌تر هم وجود دارد

در خور کودکان و نوجوانان برمی‌خوریم که ذکر یکی از آن‌ها در این جا خالی از لطف نخواهد بود:

حکایت شکستن پای شتر

«گویند کودکی اشتری را زمام گرفته بود با باری گران و اندر بازار امل می‌کشید و آن‌جا پیوسته وحل (عمل و لای) باشد. پای اشتر از جای شد و بیفتاد و خرد بشکست. مردمان، قصد آن کردند که بار از پشت شتر فرو گیرند و کودک دست به مستغاث (برآورنده دعا) برآورد. ابوالعباس قصاب - عارف - به آن برگذشت. گفتا: چه

و مانند این‌ها که نوعی نوآوری و بدعت‌گذاری محسوب می‌شود. این نوع نام‌گذاری، خلاف نام‌گذاری در داستان‌ها، موضوع متن کتاب را برملا می‌سازد و مسلماً ایرادی بر این رفتار نوشتاری وارد نیست.

کودکان و نوجوانان - گاهی - به علت لحن خشک و یکنواخت متون علمی، برای خواندن این کتاب‌ها، اشتیاقی از خود نشان نمی‌دهند، ولی تجربه ثابت کرده است که اگر این مباحث با زبان و ساختاری داستانی و روایی، ارائه شوند، برای مطالعه آن رغبت از خود نشان می‌دهند و این روحیه و رویکرد روان‌شناختی، مبنای تولید متن‌های علمی با شاکله داستانی توسط نادر ابراهیمی شد.

نادر ابراهیمی در حوزه‌های سنی دیگر (حوزه بزرگسالان)، در مقام تحلیل‌گر و منتقد ادبی و داستان‌شناس هم ظاهر شده است. او برای یازبایی پیشینه‌ها و نشانه‌ها و همچنین تعریف و تبصره در کاربرد ابزارها و عناصر داستانی در حکایت‌ها و داستانک‌های قدیمی با رنگ و بوی عرفانی و صوفیانه، تاریخ پنج‌هزار سال ادبیات داستانی ایران را بازخوانی کرده و برای داستان - حکایت‌های منتخب از کتاب‌ها و متن‌های قدیمی نقد نوشته، قوت و ضعف برخی عناصر داستانی را در آن متن‌ها، با اشاره و شاهد آوردن مثال‌ها و ترسیم جدول‌ها و نمودارها، نشان داده است. برای این جنبه از نویسندگی نادر ابراهیمی، می‌توان از کتاب «صوفیانه‌ها و عارفانه‌ها» نام برد.

نقش ابراهیمی در این کتاب، بیش از آن که کریتییک (نقد) باشد، آموزگاری داستان و داستان‌شناسی است.

در بعضی از این حکایت‌ها، به داستانک‌هایی

● گوناگونی و پراکندگی کارهای نادر ابراهیمی، به ترجمه و پژوهش و نظریه‌پردازی در ادبیات حوزه کودک و نوجوان و حتی به تصویرگری و تصویرسازی برای کتاب‌های کودک و نوجوان ختم نمی‌شود. او برای مخاطبان کودک و نوجوان، متن‌های خواندنی غیرداستانی هم تولید کرده است

بوده است؟ حال باز گفتند. وی زمام شتر بگرفت و روی به آسمان - که قیله دعاست - کرد و گفت: این شتر را درست کن و اگر درست نخواستی کرد، چرا دل قصاب به گریستن این کودک بسوختی؟

اندر حال، اشتر برخاست و راست و درست برفت. (۱۷)

نادر ابراهیمی پس از نقل این حکایت، از کتاب «کشف‌المحجوب هجویری» (۱۸) و بیان



مهندسی ساختمان این روایت داستانی و شرح و تفسیر چند عنصر پُررنگ داستانی در این متن، گریزی به شکل سنتی حقوق کودک و روابط حاکم بر جامعه می‌زند و می‌نویسد.

«... مسئله اجتماعی دیگر در حکایات صوفیانه، عشق و علاقه صوفی است به کودکان و نگرانی صوفی است از بابت غصه‌ها، دردها و مشکلات کودکان که در انواع دیگر داستان‌های قدیمی به ندرت به این مسئله برخورد می‌کنیم.

اعتقاد عارفان به سلامت، آسایش و شادی کودکان، به حدی است که برخی از ایشان گفته‌اند هیچ کودکی مستوجب هیچ‌گونه مجازاتی نیست.» (۱۹)

حوزه‌های کاری و تحقیقی نادر ابراهیمی، بسیار گسترده‌تر از این چیزی است که گفته شد. او در حوزه بزرگسالان و حتی در مورد گل‌ها و جانوران ایران نیز تحقیق کرده و کتاب نوشته است که ذکر همه آن‌ها در این‌جا باعث اطاله کلام و تطویل نوشتار خواهد شد. گاهی پراکنده کاری نویسندگان، به سبب علاقه و مهارت و تجربه آن‌ها در زمینه‌ها و حوزه‌های گوناگون است و گاهی هم این‌گونه نوشتن، برای گذران زندگی و کسب نان که البته در مورد نادر ابراهیمی، شقی اول صادق‌تر است.

نادر ابراهیمی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، جایگاه خوبی دارد. او در زمینه داستان کودک و نوجوان - هر چند - به پای جبار باغچه‌بان و صمد بهرنگی و دیگران و در زمینه نظریه‌پردازی و تحقیقات در حوزه ادبیات کودک و نوجوان به محمود کیانوش و بهرنگی نمی‌رسد، تلاش‌های راهگشای خوبی از خود نشان داده است. با همه پرکاری و دلسوزی و نوآوری که در کارنامه نادر ابراهیمی دیده می‌شود، نمی‌توان او را یک نویسنده و پژوهشگر «جریان‌ساز» به شمار آورد.

شاید اگر پراکنده کاری و چندگانه نویسی‌اش را کنار می‌گذاشت و در یک زمینه می‌نوشت و یا تحقیق می‌کرد، امروز با دیده دیگری به او نگاه می‌کردند. بسیاری از تألیفات و پژوهش‌هایش در اصل برای آموزگاران، نویسندگان این حوزه، مربیان آموزشی و پرورشی و منتقدان نوشته شده است.

نوع بیان و شکل زبان و شیوه جمله‌نویسی نادر ابراهیمی، در کتاب‌های آموزشی که در عرصه ادبیات کودک و نوجوان نوشته، باعث شده تا کودکان و نوجوانان نتوانند به آسانی مطالب آن‌ها را دریابند. ابراهیمی در این کتاب‌ها، از اصطلاحات فنی و جمله‌های طولانی استفاده کرده که درک و مطالعه آن از حوصله کودک و نوجوان و ساختار ذهنی و زبانی‌شان بیرون است. او مطالب را شاخه شاخه می‌کند، جمله‌های معترضه فراوانی را داخل پُرانتز به کار می‌برد، شاهدها و مثال‌های فراوانی می‌آورد، ناگهان از بحث اصلی بیرون می‌رود و خیلی دیر به اصل موضوع برمی‌گردد. زبان استدلال او بزرگسالانه است.

ولی ابراهیمی در داستان‌نویسی، نثر و زبانی سالم و سلیس دارد. او به سلامت زبان پایبند است و خلاف نویسندگانی مانند قدمعلی سرامی و مصطفی رحماندوست که معتقدند کودکان پیش از آن که بگویند و بنویسند «نان»، می‌گویند و می‌نویسند «نون»، بر شکل کتابی و ادبی زبان تأکید دارد.

نادر ابراهیمی، هر چند نویسنده‌ای «جریان‌ساز» و «پیشگام» نیست، بی‌گمان نامش در تاریخ ادبیات ایران - به ویژه تاریخ ادبیات کودک و نوجوان - فراموش نشدنی است. او یک تنه

۸. پدر چرا در خانه مانده است؟ پیشین، ص ۲۴
۹. جای او خالی، نادر ابراهیمی، حوزه هنری، چاپ پنجم ۱۳۸۰، ص ۱۵
۱۰. پدر چرا در خانه مانده است؟ پیشین، ص ۲۲
۱۱. همان‌جا، ص ۲۴
۱۲. مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی برای کودکان، نادر ابراهیمی، انتشارات آگاه، چاپ پنجم ۱۳۶۴، ص ۱۵-۱۶
- ۱۳ و ۱۴. پیشین، ص ۷۸
۱۵. پیشین، ص ۲۴-۲۵
۱۶. این کتاب نیز مانند چند کتاب دیگر، در زمینه مسائل ادبیات کودک و نوجوان است که به قلم نادر ابراهیمی نوشته شده و هنوز از سوی نشر آگاه منتشر نشده است.
۱۷. صوفیانه‌ها و عارفانه‌ها، نادر ابراهیمی، نشر گستره، چاپ اول ۱۳۷۰، ص ۱۸۳
۱۸. پیشین، همان‌جا
۱۹. پیشین، ص ۱۸۵
- در چند میدان حضور دارد؛ میدان‌هایی مردافکن و حریف‌طلب. شاید گستاخانه باشد، ولی می‌توان او را «مرد ناتمام» نامید.
- پی‌نوشت**
۱. پدر چرا در خانه مانده است؟ نادر ابراهیمی، حوزه هنری، چاپ پنجم ۱۳۸۰، ص ۵
۲. ساختار و میانی ادبیات داستانی، نادر ابراهیمی، حوزه هنری، چاپ دوم ۱۳۷۷، ص ۲۶
۳. پیشین، ص ۶۹
۴. مقدمه‌ای بر فارسی‌نویسی برای کودکان، نادر ابراهیمی، انتشارات آگاه، چاپ پنجم ۱۳۶۴، ص ۸۸
۵. پیشین، ص ۱۰۰
۶. مقدمه‌ای بر مصورسازی کتاب کودکان، نادر ابراهیمی، انتشارات آگاه، چاپ اول ۱۳۶۷، ص ۱۳
۷. همان‌جا، ص ۱۸۱-۱۸۰